

پیشگفتار

غرض از تألیف این کتاب، مطالعه تاریخ مختصر ظهور و تطور آراء یا نظریه‌های تربیتی در تمدن یا فرهنگ^۱ مغرب‌زمین است. مقصود از آراء تربیتی، اندیشه‌ها یا منظومه‌هایی از افکار و عقایدی است که فلسفه آموزش و پرورش دوره یا جامعه معینی را تشکیل می‌دهد و در نهادها یا مؤسسات آموزش و پرورش گاه زیربنای اصول و روشهای آموزش و پرورش موجود و گاه در برابر و حتی در تضاد با آن است و در ضمن انتقاد از آن، به بهبود آن کمک می‌کند. درحالی که نهادهای آموزشی بیشتر به ساختارهای مادی و هنجاری جامعه مربوط هستند و مطالعه آنها نوعی جامعه‌شناسی یا مطالعه جامعه‌شناختی تاریخ آموزش و پرورش است، بررسی سیر آراء یا اندیشه‌های تربیتی با تاریخ آراء و افکار و به نحو اخص با تاریخ فلسفه در ارتباط است و چنانکه یکی از نویسندگان یادآور شده است «منبع آن اساساً دستاوردهای عقلی و اخلاقی و جمالی هر قوم یا ملت» یا ملتها و اقوام ساکن یک منطقه از جهان است (Nakosteen, 1965, p. 5).

مقصود از غرب نیز در این اثر، بیشتر تمدن یا فرهنگ موجود در منطقه‌ای است که هم اکنون و در وهله اول مشتمل بر اروپای غربی و امریکای شمالی یعنی ایالات متحده امریکا و کاناداست. اروپای شرقی و کشورهایمانند ژاپن را نیز که تا

۱. فرهنگ و تمدن گاه مترادف شمرده می‌شود و گاه نیز تمدن (civilization) را نوعی از فرهنگ یا جنبه مادی و سیاسی فرهنگ (culture) می‌دانند و حتی بر این عقیده‌اند که چون تمدن پس از پدیدآمدن زندگانی شهری به وجود آمده، نسبت به فرهنگ امری مؤخر است. در هر حال امروزه بر اثر تحقیقات مردم‌شناسان اصطلاح فرهنگ بیش از واژه تمدن رواج دارد.

حد زیادی رنگ فرهنگ غربی پذیرفته‌اند می‌توان غربگرا تلقی کرده جزئی از این تمدن به شمار آورد؛ ولی فعلاً و در اینجا به طور مستقیم درباره سیر آراء تربیتی آنها بحث نخواهد شد و بحث در اصل و بیشتر بر سر ریشه‌های این آراء یا نظریه‌هاست که جلوه‌گاه آنها مغرب‌زمین به معنی اول این کلمه است.

در این بررسی، از تقسیم‌مراحلی که معمولاً در تاریخ آموزش و پرورش غرب صورت می‌گیرد پیروی کرده به سیر آراء تربیتی در دوره‌های مهم تاریخ تمدن غرب یعنی: (۱) دوره یونان و روم باستان؛ (۲) دوره مسیحیت (صدر مسیحیت و سده‌های میانه)؛ (۳) دوره جدید یا عصر تجدد و (۴) دوره معاصر (سده‌های هجدهم، نوزدهم و بیستم) نظر افکنده‌ایم.

بدین‌سان کتاب در هفت فصل به این شرح تنظیم و تدوین شده است: فصل اول: سیر آراء تربیتی در یونان و روم باستان؛ فصل دوم: سیر آراء تربیتی در دین یهود و صدر مسیحیت و سده‌های میانه؛ فصل سوم: سیر آراء تربیتی در عصر تجدد (سده‌های پانزدهم، شانزدهم و هفدهم)؛ فصل چهارم: سیر آراء تربیتی در سده هجدهم؛ فصل پنجم: سیر آراء تربیتی در سده نوزدهم؛ فصل ششم: سیر آراء تربیتی در سده بیستم (۱) و فصل هفتم: سیر آراء تربیتی در سده بیستم (۲).

با توجه به اینکه اندیشه‌های تربیتی در هر عصر غالباً متأثر از اندیشه‌ها و جریانهای فکری و فلسفی آن عصر و در واقع فرهنگی است که زمینه این اندیشه به شمار می‌رود و فرهنگ هر دوره نیز خود در تعامل با اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و وضع معیشت آن زمان است، در هر دوره تا آنجا که ممکن بوده - و البته به اختصار - به ترسیم وضع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن نیز پرداخته‌ایم و چون این افکار و آراء را عمدتاً باید در آثار صاحب‌نظران و مربیان برجسته هر عصر جست، بخشی از مطالب هر دوره به بیان اندیشه‌های این بزرگان اختصاص یافته است. در این باب، نیز با رعایت اختصار، کوشش بر این بوده که آراء تربیتی مهم هر صاحب‌نظری بررسی شود و چون این آراء نیز از شیوه تفکر و خواستها یا به تعبیر دیگر بینشها و گرایشهای هر صاحب‌نظری برمی‌خیزد و این بینشها و گرایشها از یکسو

به طبیعت و نبوغ خاص او و از سوی دیگر به «روح زمان» و تصورات و آرمان جمعی و تاریخی بستگی دارد، در هر مورد و پیش از بیان آراء هر یک از آنان مختصراً به شرح احوال و آثار و بینش آنان درباره جهان و انسان پرداخته‌ایم. به‌علاوه به تأثیر افکار آنان در سیر آینده افکار و تأثیر افکار گذشتگان در آنان نیز توجه شده است. نکته‌ای که در اینجا تذکار آن ضروری است این است که آراء تربیتی در هر دوره تنها متعلق به کسانی نیست که هم خود را وقف آموزش و پرورش نسل نو کرده‌اند، بلکه صاحب‌نظرانی بوده و هستند که به اصطلاح مربی یا معلم «حرفه‌ای» نبوده و نیستند و در شمار فیلسوفان و دانشمندان‌اند، ولی از وضع آموزش و پرورش زمان خود نیز غافل نبوده، اندیشه‌های تربیتی تازه‌ای را بیان کرده‌اند. در مجموع، در ترسیم این خط سیر با توجه به ارتباط آراء تربیتی با عناصر دیگر فرهنگ مانند دین، فلسفه و علم گاه‌گاه به تأثیر صاحب‌نظران این زمینه‌ها نیز نظر داشته‌ایم.

در تألیف این کتاب، از آثار نویسندگان غربی در وهله اول و نیز از نوشته‌های استادان ایرانی این رشته که نامشان در فهرست منابع آمده است، استفاده شده است و نویسنده مدیون این بزرگواران و سپاسگزار ایشان است. با این همه، باید اقرار کنیم که یکی از مشکلات این مطالعه، در دسترس نبودن مآخذ و منابع کافی بوده است و نویسنده در حد منابعی که در دسترس او بوده توانسته، مطالعه‌ای هرچند ناقص را به ثمر برساند. این مشکل در مورد سیر آراء تربیتی در قرن بیستم به‌ویژه نیمه دوم آن و در مورد نظریه‌های جدیدی که در این برهه از زمان پدید آمده‌اند، از جمله جریان فرانوگرایی (پست مدرنیسم) بیش از ادوار پیشین محسوس بوده است. نویسنده امیدوار است بتواند با به دست آوردن مآخذ بیشتر و بهتر و در فرصتی وسیع‌تر کاستیها و کمبودهای کار خود در همه دوره‌ها به‌ویژه دوره معاصر را جبران کند. از خوانندگان ارجمند و نکته‌بین نیز انتظار دارد که این نقایص را به او یادآور شوند تا به خواست خداوند بخشاینده، اگر عمری باشد، آنها را رفع و کار خود را به کمال بیشتر نزدیک کند.

مقدمه

بررسی سیر آراء تربیتی در کشورها و مناطق مختلف جهان، خود می‌تواند موضوع مطالعه و تحقیق مستقلی باشد. این مطالعه البته کار آسانی نیست و شاید انجام گرفتن آن مستلزم همکاری گروه یا گروههایی از پژوهشگرانی باشد که در این زمینه تجربه و تخصص کافی دارند. تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد، چنین پژوهشی نسبتاً تازه است و چنان که مورخان غربی نوشته‌اند، از زمانی آغاز شده که در مطالعه پدیده‌های آموزشی و پرورشی مطالعات تاریخی را ضروری دانسته‌اند. از جمله کسانی که به اهمیت این مطلب پی‌برده امیل دورکیم جامعه‌شناس شهیر فرانسوی است به حدی که مطالعه تاریخ آموزش و پرورش به‌ویژه تاریخ نظریه‌های تربیتی در هر جامعه را شرط فهم مشکلات کنونی و حل آنها می‌داند. وی چنین می‌نویسد: «... برای آنکه بتوان نظام تربیتی را درک کرد، توجه به وضع کنونی آن کافی نیست، زیرا این نظام محصول تاریخ است و تنها به مدد تاریخ می‌توان آن را تبیین کرد» (دورکیم، ۱۳۷۶، ص ۷۷). به نظر این جامعه‌شناس، آموزش و پرورش هر ملت ترجمان و بیان‌کننده روح آن ملت است و «اگر از آنچه روح ملی را تشکیل می‌دهد و از عناصر مختلف آن و عناصری که وابسته به علل پایدار و عمیق هستند و نیز از عناصری که به عکس به تأثیر عوامل کم‌وبیش اتفاقی و گذرا بستگی دارد بی‌اطلاع باشیم، به هیچ‌رو قادر به فهم این آموزشگاهها [یعنی آموزش و پرورش ملی] نخواهیم بود. این‌گونه مسائل را تنها تحلیل تاریخی حل می‌کند» (همان‌جا). دورکیم به‌خصوص تعیین هدفهای تربیت را در هر مرحله از تاریخ تنها به مدد تاریخ آموزش و تاریخ نظریه‌های تربیتی (یا علم تربیت) میسر می‌داند (همان، ص ۸۰). البته پیش از او دانشمندان دیگر و در

حدود همین زمان (اواخر قرن نوزدهم) در غرب به اهمیت مطالعه تاریخی آموزش و پرورش برای حل مسائل آن پی برده بودند و به پیروی از روح زمان که علم را بدون بررسی تاریخی میسر نمی‌دید (فروند، ۱۳۷۱) به تاریخ آموزش و پرورش روی آورده بودند. ظاهراً در این کار، دانشمندان آلمانی نسبت به دیگران پیشرو بودند (مدلین، ۱۳۵۳، ص ۳)، سپس دانشمندان دیگر از انگلستان، فرانسه و امریکا، این کار را پی گرفتند؛ از جمله گابریل کومپره^۱ (۱۸۴۳-۱۹۱۳) نخستین کسی است که به تألیف نسبتاً منظم و جامعی از تاریخ آموزش و پرورش غرب پرداخته است (همان، ص ۴). در ایالات متحده امریکا نیز، توماس دیویدسون^۲ (۱۸۴۰-۱۹۰۰) نخستین بار به روش علمی به نگارش تاریخ آموزش و پرورش پرداخته است و پس از او پُل مونرو^۳ (۱۸۶۹-۱۹۴۷) استاد تاریخ آموزش و پرورش در دانشگاه کلمیاست. از آن پس نیز ما شاهد نشر کتابهای فراوانی در این زمینه هستیم؛ اما در زمینه تاریخ آموزش و پرورش شمار کتابهایی که به سیر آراء تربیتی در غرب پرداخته باشند نسبت به تاریخ نهادهای آموزشی یعنی تاریخ آموزشگاهها و برنامه و روشهای آموزش در کشورهای مختلف چندان نیست و آنچه هست نیز بیشتر مجموعه‌ای از آراء و اندیشه‌های مریان کم‌ویش معروف در دوره‌های مختلف تاریخی است و تجزیه و تحلیلی را که دورکیم در تاریخ نظریه‌های تربیتی ضروری می‌داند و کشف ارتباط آنها و آراء و اندیشه‌های دیگر و مخصوصاً سیر فلسفه در آنها کمتر دیده می‌شود و برای اطلاع از این جنبه مهم باید منتظر ظهور آثار تازه‌تری بود.^۴

در ایران نیز، هرچند از دوره‌ای که به علوم تربیتی پرداخته و آن را برای تربیت معلم لازم شمرده‌اند، تاریخ آموزش و پرورش کشور و مغرب‌زمین نیز در

-
1. G. Compayré
 2. Th. Davidson
 3. Paul Monroe

۴. در کتابهایی نیز که در زمینه تاریخ آموزش و پرورش یا آراء تربیتی به فارسی ترجمه شده و امروز در زمره منابع این درس به شمار می‌رود، همین ویژگی دیده می‌شود؛ برای نمونه رجوع کنید به: کتاب تاریخ اندیشه‌های تربیتی اثر فردریک مایر.

برنامه منظور و چند کتاب ارزنده نیز به وسیله استادان این رشته تألیف یا ترجمه شده است، اما به تاریخ آراء تربیتی به کیفیتی که گفته شد چندان توجه نشده و فعلاً بیش از ۲ یا ۳ کتاب با این عنوان در دسترس نیست و این کتابها نیز تقریباً همگی ترجمه آثار خارجی است. کتابهای دیگر نیز مانند کتابهای شادروان دکتر عیسی صدیق که در حقیقت بنیان‌گذار این رشته در ایران است، به‌ویژه کتاب *تاریخ آموزش و پرورش اروپای ایشان* ترکیبی از تاریخ نهادها و آراء تربیتی است و مؤلف ظاهراً به دلیل حجم کار یا قلت وقت بیشتر به گردآوری وقایع و افکار تربیتی پرداخته و چندان در پی تجزیه و تحلیل تاریخی و یافتن ریشه‌های افکار و آراء تربیتی و عوامل و عناصر اجتماعی و فرهنگی آنها نبوده است؛ بنابراین، به جرئت می‌توان گفت که در این زمینه به هر علت، چنان‌که باید و شاید، کار نشده است. در این زمان که «گفتگوی تمدن‌ها» به صورت شعاری جهانی درآمده و یکی از شرایط این گفت‌و شنود شناخت فرهنگهای جهان از سوی ملل جهان است، مطالعه آراء تربیتی غرب که داعیه یکسان‌سازی فرهنگ در جهان و برتری فرهنگ خود را دارد، یکی از ضروریات در جامعه ماست، هرگاه بخواهد هویت یا شخصیت ملی خود را در حد معقول در برابر هر تهاجمی حفظ کند. به عبارت دیگر، باید دانست که فرهنگ غرب چیست و از چه عناصری ساخته شده و چگونه استمرار یافته و به صورت کنونی درآمده است و بی‌شک یکی از راههای نیل به این مقصود تحقیق دقیق و عالمانه درباره تاریخ آموزش و پرورش این سرزمین خاصه تاریخ یا سیر آراء تربیتی آن است.